

نقش پلیس اخلاق مدار در بیانیه گام دوم انقلاب

هادی پور احمدیان^۱، رضا بهرامی خوشکار^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۳

چکیده

آنچه در مقوله فرهنگ از اهمیت خاصی برخوردار است، اخلاق می‌باشد. امروزه اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی، مهم‌ترین متغیر در موفقیت سازمان است که باتوجه به مسئولیت حساس پلیس آشنایی آنان با شاخصه‌های اخلاق حرفه‌ای، نقش مهمی در فرهنگ سازی و تقویت مبانی اخلاق حرفه‌ای در بین کارکنان و در نهایت تحقق مسئولیت اجتماعی سازمان دارد؛ لذا هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش پلیس اخلاق مدار در بیانیه گام دوم انقلاب است. جستجوی راه‌هایی برای افزایش کارایی و به کارگیری حداکثر توانایی‌های کارکنان در جهت تحقق هدف‌های سازمانی یکی از موضوعات و دغدغه‌های همیشگی مدیران و صاحب‌نظران علم مدیریت بوده است. هدف این پژوهش، تبیین چارچوب علمی و کاربردی برای بهبود عملکرد کارکنان مبتنی بر اخلاق در محیط کاری است. نتایج نشان می‌دهد ارتباط پویای اخلاق و توسعه مورد توجه بسیاری از جامعه شناسان بوده است. بررسی‌های روانشناسی اجتماعی مذاهب، حاکی از تمایزات رفتاری پیروان مذهبی واحد می‌باشد. تعالیم اخلاقی ضمن آن که سمت حرکت، استراتژی رشد و شدت رشد را تعیین می‌کند، ولی تحولات اقتصادی جامعه اخلاقیات جامعه، را در محل نوین تحت تأثیر قرار می‌دهد اخلاق کار در ادارات دولتی کشور ضعف محسوس دارد. بر این ضعف اخلاق کار، متغیرهای بی‌شماری دخیلند. برخی صاحب‌نظران با تأکید بر سطوح کلان، بر متغیرهای کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انگشت می‌گذارند و برخی دیگر ضمن توجه بر سطوح میانی و خرد، متغیرهای میانی و خرد مؤثر بر اخلاق کار را برجسته می‌نمایند. این مطالعه از دیدگاه خرد، بر عوامل سازمانی مؤثر بر سطح اخلاق کار متمرکز شده است.

واژگان کلیدی: معنویت، اخلاق، جامعه، پلیس، توسعه، اقتصاد

^۱- کارشناس ارشد دافوس. معاونت فاوا | کرمان، عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان، (نویسنده مسئول) - تلفن: ۰۹۱۳۵۳۱۶۱۴۲ - traffic_safety۸۲@yahoo.com

^۲- کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، معاونت طرح و برنامه فاوا | کرمان - تلفن: ۰۹۱۳۶۲۱۵۱۷۵ - ۲۱۳۴۵

مقدمه

اخلاق پسندیده و نیکو از بارزترین صفات انسانی و الهی است که در مناسبت‌ها و روابط خانوادگی و اجتماعی پیوند دهنده‌ی قلب‌ها و تقویت کننده‌ی صمیمت‌ها است و در تعالی و رشد و کمال خانواده و نظام اجتماع نقش مهمی ایفا می‌کند (معید فر، ۱۳۸۵: ۲۲) از دیدگاه علامه طباطبایی (رحمه الله) معروف، آداب و شیوه‌های رفتاری مناسب در یک جامعه است که عقلا آن را به رسمیت می‌شناسند. یا هر عملی که افکار عمومی آن را رفتاری شناخته شده و مأنوس می‌دانند و با ذائقه‌ی اهل هر اجتماعی سازگار است (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۲۳۲).

جایگاه و ارزش خوش خلقی تا بدان پایه است که به انسان‌های مؤمن محدود نمی‌شود، بلکه هر کس از این فضیلت بهره‌مند باشد، ارزشی گران‌سنگ به دست آورده است. انسان‌ها دو سرمایه در اختیار دارند: مادی و معنوی. سرمایه‌های مادی محدودند گذشته از این که همه جا کاربرد ندارند، اما سرمایه‌های معنوی نامحدود بوده، کارا و مؤثرند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به فرزندان عبدالمطلب فرمودند: *إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوْمُ بِطَلْقَةِ الْوَجْهِ وَحَسَنِ الْبَشْرِ؛* شما نمی‌توانید همه‌ی مردم را با اموال‌تان راضی کنید، بنابراین، با آن‌ها با روی گشاده و چهره‌ای باز و خندان ملاقات و از این طریق رضایت‌شان را جلب کنید (عاملی، ۱۳۹۰).

امروزه اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی، مهم‌ترین متغیر در موفقیت سازمان است که با توجه به مسئولیت حساس پلیس، آشنایی آنان با شاخصه‌های اخلاق حرفه‌ای، نقش مهمی در فرهنگ سازی و تقویت مبانی اخلاق حرفه‌ای در بین کارکنان و در نهایت تحقق مسئولیت اجتماعی سازمان دارد. جستجوی راه‌هایی برای افزایش کارایی و بکارگیری حداکثر توانایی‌های کارکنان در جهت تحقیق هدف‌های سازمانی یکی از موضوعات و

دغدغه‌های همیشگی مدیران و صاحب‌نظران علم مدیریت بوده است؛ لذا هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش پلیس اخلاق مدار در بیانیه گام دوم انقلاب است.

اخلاق کار به حوزه‌ای از فرهنگ جامعه اطلاق می‌شود که ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به کار را در برمی‌گیرد و قابل مطالعه، شناسایی، سنجش و اندازه‌گیری است و این قواعد کلی را در زمینه کلی‌تر فرهنگ و اجتماع می‌توان بررسی کرد (معیدفر، ۱۳۷۷: ۱۸).

می‌توان اخلاق کار را مجموعه ویژگی‌ها و رفتارهایی دانست که افراد یک جامعه در جهت رعایت کامل شرایط کمی و کیفی کاری که تعهد کرده‌اند، از خود نشان می‌دهند. این رفتارها ناشی از نوع برداشتی است که آنان بر اساس نگرش خود، از کار و نقش آن در جهت اهداف جامعه دارند. با توجه به تأثیر چشمگیر اخلاق کاری بر میزان تحقق اهداف، تدوین استراتژی، رفتارهای فردی، عملکرد سازمان، رضایت شغلی، خلاقیت و نوآوری، نحوه تصمیم‌گیری و میزان مشارکت کارکنان در امور، فداکاری، تعهد، انضباط، سخت‌کوشی، سطح اضطراب و نظایر آنها، می‌توان گفت در سازمان، پدیده‌ای به دور از نقش و تأثیر این مفهوم وجود ندارد. می‌توان با مشاهده پایبندی فرد به هنجارهای شغلی و رعایت مقررات موجود در سازمان کار، برای مثال با دیدن رد پیشنهاد اخذ مبلغی در قبال انجام کاری یا نادیده انگاشتن روابط خویشاوندی و دوستی در جریان کار یا صرف‌نظر از منافع شخصی در انجام وظایف و توجه به مصالح جامعه و.. می‌توان فرد را دارای اخلاق کار دانست؛ لذا تلاش در جهت رشد و توسعه کارکنان و متعهد کردن آن‌ها به سازمان به عنوان یک وظیفه مطرح شده است. بنابراین، لازم است عواملی که کارایی کارکنان سازمان را افزایش می‌دهند، یا از رکود آن جلوگیری می‌کنند، شناسایی شوند.

پیشینه و مفاهیم نظری تحقیق

اخلاق اداری: اخلاق اکنون به صورت منشور اخلاقی سازمان و قوانین رفتار حرفه‌ای مشاغل پایه درون سازمانی نهاده است. در یک دهه‌ی اخیر توجه روز افزون به این موضوع شده که باید علت آن را در وقایع دهه‌های اخیر مانند جهانی شدن، توسعه عدم تمرکز، مدیریت گرایبی، افزایش روابط کاری تجاری سازمان‌های دولتی با بخش خصوصی، رشد مطالعات اجتماعی و درخواست فزاینده برای پاسخگویی و مسؤولیت اجتماعی از سوی مراجع قانون و سیاسی دید. اخلاق اداری هم اکنون به نهضتی اصلاح گرایانه در مدیریت دولتی تبدیل شده است که به مطالعه و شناسایی قواعد و ضوابط رفتار انسان اداری و موضع‌هایی چون تدوین منشور اخلاق، قوانین و استانداردهای رفتار، آموزش اخلاقیات، مدیریت اخلاق، تصمیم‌گیری اخلاق، فرهنگ و جو اخلاق و زیرساخت اخلاق می‌پردازد (ذاکری، ۱۳۸۸: ۵۷).

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ نیز با طراحی یک زیرساخت اخلاقی که در واقع یکی از الگوهای اثربخش مدیریت اخلاقیات محسوب می‌گردد سعی در کنترل فساد و حفظ و ارتقای اخلاقیات و اصلاح رفتارهای نامطلوب در اغلب کشورهای عضو خود کرده است. در این الگو به میزان زیادی عوامل محیطی و سازمانی با یکدیگر ترکیب شده است که مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

- تعهد رهبران، سیاستمداران و مدیران به رعایت امور اخلاقی؛
- استراتژی، سیاست‌ها و قوانین و مقررات دقیق و لازم اخلاقی؛
- جو و فضای جامعه و سازمان؛
- سیستم‌ها و مکانیزم‌های انگیزشی برای تشویق به انجام رفتار اخلاقی؛

^۱ - OECD

- برنامه‌های آموزش‌های کارآمد و مؤثر؛
- سیستم‌های کنترلی و ارزیابی کارآمد و مؤثر درون و برون سازمانی؛
- دلایل و استدلال عق پسند کافی برای پذیرش اخلاق؛
- موقعیت‌های شغلی؛
- نیازهای شخصی؛
- جامعه مدنی فعال.

لذا در مجموع می‌توان گفت چنانچه یک زیر ساخت اخلاق از کارکرد صحیح برخوردار گردد، محیطی را فراهم می‌آورد که استانداردها و شاخص‌های رفتار شخصی مطلوب، مورد تشویق و حمایت قرار گیرد. (فقیهی و رضایی منش، ۱۳۸۴: ۷۵).

مبانی نظری تحقیق

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به مردم در خصوص اخلاق و معنویت می‌فرمایند:

معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بین گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور خود باید منش و رفتار اخلاقی و فرمان به دست نمی‌آید،

پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک معنوی داشته باشند، و ثانیاً برسانند؛ با کانون‌های ضدّ معنویّت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم مسئولانه خود می‌بینیم دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیّت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه مدّت و میان مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ انشاء الله (۹۷/۱۱/۲۲)

در این خصوص پلیس نیز از جامعه جدا نمی‌باشد و چه بسا وظیفه او نیز بیشتر باشد. اخلاق اسلامی اخلاقی است که در چارچوب اسلام است. اخلاق اسلامی سه بخش اصلی دارد. رابطه با خدا: کارهایی که آدمی باید در برابر خدا بکند، مانند نماز و روزه و دعا. رابطه با مردم: برخورد فرد و رفتارهایش با مردم و دیگر اعضای جامعه، مانند رفتار نقش‌های خانواده و دوستی. عموماً منظور از اخلاق اسلامی بیشتر این بخش است. رابطه با خود: چارچوب برخورد انسان با خودش، مانند حسد (رشک) و چگونگی غذا خوردن. در کل ویژگی‌های اخلاقی در اسلام بسیار مهم است، به گونه‌ای که پیامبر اسلام فرمود: «(إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ)» یعنی «براستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام. در روش اخلاقی اسلام، ملاک هر کار رضایت خداوند است. در روش اخلاقی اسلام، تحسین و تقبیح مردم در رسیدن به بهشت و دوری از جهنم، اهداف

اصلی نیست، بلکه هدف اصلی رضایت خداوند است و چون هدف علم اخلاق، رسیدن انسان به سعادت و کمال است و از سوی دیگر سعادت و کمال انسان نیز در تحصیل رضای الهی است، پس اخلاق واقعی همان اخلاق اسلامی است چون زمینه کمال و سعادت انسان را فراهم می‌کند و دستیابی به آن برای همگان امکان پذیر است. بهترین شاهد بر این‌که اخلاق واقعی، همان اخلاق اسلامی است (www. asemoon.com).

شاخصه‌های اخلاق واقعی از منظر اسلام

- ۱- تاکید بر مطابقت و یا عدم مطابقت مباحث با کتاب و سنت.
- ۲- تلاش در ارائه نظامی جامع که پاسخگوی همه پرسش‌های اخلاقی باشد.
- ۳- ارائه تفسیری معتدل و هماهنگ با سایر مفاهیم اخلاقی.
- ۴- تقسیم و ترتیب منطقی مباحث اخلاقی در سه بخش مطالعات مبنایی، توصیفی و تربیتی.
- ۵- توجه به ابزار تربیت اخلاقی و ترتیب طبیعی آن‌ها و تاکید بر مشروعیت آن‌ها.
- ۶- استفاده از تجربیات علمی پیشگامان و پیش‌کسوتان در تهذیب اخلاق.
- ۷- سعی در استخراج اصول و قواعد کلی اخلاق از خلال مصادیق وارد شده در کتاب و سنت.
- ۸- تبیین دیدگاه اسلام در حوزه‌های مختلف رفتاری و ملکات نفسانی به طور مستقل و البته با توجه به تأثیر متقابل آن‌ها.
- ۹- توجه به تأثیر متقابل حوزه اندیشه، ملکات نفسانی و رفتار و کردار بر یکدیگر.
- ۱۰- توجه به جایگاه عقل، گرایش‌های فطری و آثار و تجربیات عملی، در تفسیر و عمل به مفاهیم اخلاقی.

۱۱- تاکید بر رشد هماهنگ و متوازن استعدادهای اخلاقی و پرهیز از افراط و تفریط در آنها.

۱۲- توجه به وضعیت و شرایط خاص مخاطبان در به کار بستن دستورهای اخلاقی (Www.asemoni.ir).

اخلاق و توسعه: به نظر می‌رسد که آنچه در مقوله فرهنگ از اهمیت خاصی برخوردار است، «اخلاق» می‌باشد. رابطه بین اخلاق و توسعه رابطه‌ای یک جانبه و استاتیک نیست، ارتباط پیچیده بین این دو مقوله از آنجا ناشی می‌شود که اخلاقیات، توسعه پذیرند. اخلاقیات توسعه پذیر، می‌تواند سکوی جهش یک جامعه باشد و زمینه‌هایی چون پویایی، عقلانیت، خلاقیت، تعلیم پذیری، دنیوی بودن، مشارکت پذیری، ریسک پذیری را دارا باشد. اقتصاد دانان برجسته‌ای چون هاگن بر اصالت اخلاقی صحنه می‌گذارند و تحولات اقتصادی را معلول تحول فرهنگی و منبعث از آن می‌دانند. وی می‌نویسد: که «تحول اساسی در فرهنگ» به خودی خود باعث می‌شود که اقتصاد از حالت رکود خارج گردد و به رشد و توسعه رو نهد». روستو جنبه‌های اخلاقی را که مربوط به توسعه اقتصادی می‌شود، شامل تمایل به پیش بردن علم، تمایل به کارودانش مکتسبه در محیط مادی زندگی، تمایل به داشتن فرزند و کوشش برای پیشرفت مادی می‌داند (قره باغیان و اسلامی ۱۳۶۴: ۶۴).

«شهید مطهری می‌نویسد: اگر قدرت را بعنوان ملاک پیشرفت بدانیم جوامع غربی امروزه جزء «جامعه‌ی پیشرفته» هستند نسبت به گذشته. مثلاً از نظر ثروت قدرتشان به گذشته خیلی بیشتر شده است ولی اگر مثلاً جنبه‌های انسانی آن را در نظر بگیریم قدری کمیت آن‌ها لنگ می‌شود، یعنی خود غربی‌ها نیز دیگر مدعی پیشرفت نیستند. مساله‌ای که در اینجا طرح کرده است تحت عنوان «انحطاط غرب» که اکنون مساله مهمی در دنیا شده

است و آن را طرح می‌کند ارتباطی با مساله قدرت ندارد. در حالی که غرب از نظر تکنیک روز به روز پیشتر می‌رود، همواره صحبت از انحطاط غرب است، و تازه غرب نه فقط با معیار ارزش‌های اخلاقی انحطاط دارد بلکه با برخی معیارهای دیگر نیز انحطاط دارد (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۳۳).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل موضوع می‌پردازیم. شایان ذکر است به منظور تبیین بهتر مسأله، در حین نگارش مطالب از بیانات مقام معظم رهبری با استفاده از روش تحلیل محتوی بهره گرفته‌ایم.

یافته‌های تحقیق

تأثیر اخلاق اسلامی بر کارکنان سازمان به طور کلی اخلاقیات در سازمان‌ها به عنوان سیستمی از ارزش‌ها و بایدها و نبایدها تعریف می‌شود که بر اساس آن نیک و بد‌های سازمان مشخص و عمل بد از خوب متمایز می‌شود. به طور کلی انسان‌ها در بعد فردی و شخصیتی دارای ویژگی‌های خاص اخلاقی هستند که پندار، گفتار و رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد. اخلاق را مجموعه‌ای از صفات روحی و باطنی انسان تعریف کرده‌اند که به صورت اعمال و رفتاری که از خلیات درونی انسان ناشی می‌شود، بروز ظاهری پیدا می‌کند و بدین سبب گفته می‌شود که اخلاق را از راه آثارش می‌توان تعریف کرد. استمرار یک نوع رفتار خاص، دلیل بر آن است که این رفتار یک ریشه درونی و باطنی در عمق جان و روح فرد یافته است که آن ریشه را خلق و اخلاق می‌نامند. دامنه اخلاق را در حد رفتارهای فردی تلقی می‌کنند، اما رفتارهای فردی وقتی که در سطح جامعه یا نهادهای

اجتماعی تسری پیدا می‌کند و شیوع می‌یابد، به نوعی به اخلاق جمعی تبدیل می‌شود که ریشه‌اش در فرهنگ جامعه می‌دواند و خود نوعی وجه غالب می‌یابد که جامعه را با آن می‌توان شناخت. امروز در تجزیه و تحلیل رفتار سازمان‌ها، پرداختن به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی یکی از الزامات است. نماد بیرونی سازمان‌ها را رفتارهای اخلاقی آن‌ها تشکیل می‌دهد که خود حاصل جمع ارزش‌های گوناگون اخلاقی است که در آن سازمان‌ها، ظهور و بروز یافته است (معید فر، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

در شرایط کنونی رعایت نشدن برخی معیارهای اخلاقی، نگرانی‌های زیادی را در بخش‌های دولتی و غیردولتی به وجود آورده است. سقوط معیارهای رفتاری در بخش دولتی، پژوهشگران را واداشته تا در جستجوی مبنای نظری در این رابطه بوده تا بتوانند مسیر مناسب اجرایی آن را فراهم سازند؛ لذا یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه‌ها است تا آن‌ها با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسایل در جامعه و حرفه خود به کار بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند. اولین گام در دستیابی به این اهداف درک صحیح از مفهوم اخلاق و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر رفتار اخلاقی کارکنان در سازمان می‌باشد تا در گام‌های بعدی بر روی این عوامل مداخله لازم صورت پذیرد. اخلاقیات در سازمان به عنوان سیستمی از ارزش‌ها و بایدها و نبایدها تعریف می‌شود که بر اساس آن نیک و بدهای سازمان مشخص و عمل بد از خوب متمایز می‌شود. به طور کلی انسان‌ها در بعد فردی و شخصیتی دارای ویژگی‌های خاص اخلاقی هستند که پندار، گفتار و رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد. ممکن است همین افراد وقتی در یک جایگاه و پست سازمانی قرار می‌گیرند عواملی موجب شود که پندار، گفتار و رفتار متفاوتی از بعد فردی سر بزنند که این ویژگی‌های انسانی بر روی میزان کارایی و اثر بخشی

سازمان تأثیر بگذارد. رفتارهای متفاوت اخلاقی افراد به عنوان کارمندان سازمان در یک طیف خطی که یک سر آن سلامت اداری و سر دیگر طیف فساد اداری می‌باشد قابل تحلیل می‌باشد و میزان سلامت اداری در میزان موفقیت سازمان در انجام ماموریت‌ها، اجرای راهبردها و برنامه‌ها و در نهایت دستیابی به اهداف سازمانی نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند. اولین گام در دستیابی به این اهداف درک صحیح از مفهوم اخلاق و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر رفتار اخلاقی کارکنان در سازمان می‌باشد که در این تحقیق سعی شده تا به طور جامع این عوامل احصاء و طبقه‌بندی گردند (قوچانی، ۱۳۹۰: ۲۸).

جایگاه اخلاق اسلامی در ایران: جامعه دینی از حیث تعامل سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در آن و نیز از نظر رفتار ارتباطی افراد، متضمن مسائل فراوانی است. این مسائل از تعیین دینی چنین جوامعی سر برمی‌آورند و با تعیین دینی نیز باید پاسخ یابند. اخلاق، سامان‌دهنده رفتار ارتباطی در مقیاس فرد، سازمان، جامعه و روابط جهانی است. رفتار ارتباطی درون‌شخصی و برون‌شخصی فرد در زندگی شخصی و زندگی شغلی، از طریق اخلاق سامان و انسجام می‌یابد. همچنین رفتار ارتباطی سازمان با محیط و نیز تعامل نهادهای اجتماعی با یکدیگر، در دو سطح ملی و جهانی، بر مبنای اخلاق قوام می‌یابد برای تعیین مؤلفه‌های کاربردی اخلاق اسلامی - اداری، می‌توان از اصول راهبردی اخلاق در اسلام استفاده کرد؛ اصول راهبردی اصلی در اسلام عبارت‌اند از: احترام اصیل و نامشروط به انسان‌ها، رعایت آزادی انسان‌ها، برقراری عدالت در مورد انسان‌ها، امانت‌ورزی در رفتار و بینش شخصی. اخلاق در نظام اداری جمهوری اسلامی باید هویت اسلامی داشته باشد و مبتنی بر اخلاق اسلامی شکل بگیرد. برای داشتن هویت اسلامی اخلاق حرفه‌ای در کشورمان، به چهار دلیل می‌توان اشاره کرد:

الف) از لحاظ فرهنگی به دلیل وابستگی توده مردم کشورمان به نظام عقیدتی اسلام؛
ب) از لحاظ دینی به دلیل جداناپذیری اخلاق از دین در متن دین اسلام؛ ج) نیاز به
پویایی درون فرهنگ اسلامی با توجه به مواجهه آن با چالش جهانی شدن؛ د) از لحاظ نظام
حکومتی، الزام به حکومت دین‌مدار در نظام حکومت دینی و از لحاظ قانونی، به تأکید
قانون اساسی - در اصل هشتم - بر تصویب قوانین اسلامی در کشور.

نظام اخلاق اسلامی به گونه‌ای است که با اخلاق حرفه‌ای در هم آمیخته و
تفکیک‌ناپذیر است؛ زیرا در این نظام ملاک نهایی و نهایت سعادت بشری، الله است و
انسان در مقام خلیفه و جانشین الهی در زمین، محور توجهات اخلاقی است؛ بدین معنا که
خشنودی انسان و خدمت به او موجب رضایت و تقرب به خداوند می‌شود؛ از این‌رو،
نظام اخلاق اسلامی با توجه به ملاک نهایی، در صدد است با ارائه دستورالعمل‌ها و
آیین‌نامه‌های اخلاقی در سطح حرفه و زندگی اجتماعی و همچنین با در نظر گرفتن
پیشرفت‌های مادی در جهت بهبود زندگی انسان‌ها، زمینه سعادت و کمال حقیقی بشر را
فراهم آورد. درباره مورد اخیر باید گفت در اخلاق ح اسلامی، ملاک نهایی اخلاق همانا
خواست خداوند - خیر مطلق - است. مهم‌ترین اصول راهبردی که می‌توانند منشأ
شکل‌گیری مؤلفه‌های کاربردی اخلاق اسلامی شوند، عبارت‌اند از: الف) کرامت انسانی؛
ب) آزادی فردی؛ ج) عدالت اجتماعی در مفهوم عام قرار دادن هر امری در جایگاه
شایسته آن؛ د) امانت‌ورزی در دو سطح امانت‌داری و بینش امانت‌نگری. در این بین، اصل
چهارم مهم‌ترین اصل (اصل‌الاصول) است. مفهوم امانت‌داری در کسب‌وکار، قابل تجزیه به
سه پرسش است: ۱. چه چیزی در کسب‌وکار مورد امانت قرار می‌گیرد؟ ۲. مراد از
امانت‌داری در قبال آن امور چیست؟ ۳. صاحبان امانت کیستند؟ البته امانت‌داری در حرفه
نمی‌تواند به معنای عدم تصرف باشد؛ زیرا تصرف و به‌کارگیری مقوم کسب‌وکار است؛

بلکه تصرف در حرفه دو گونه است: امانت‌دارانه و غیرامانت‌دارانه. در این زمینه تصرف امانت‌دارانه استفاده بهینه و شایسته است. ضامن امانت‌داری در نگرش اسلامی این بینش است که عالم همه محضر خداست. با این نگاه، فرد با بصیرت ایمانی به امانت‌نگری در جهان هستی می‌رسد و همه چیز از جمله خود را امانت خداوند می‌داند. پس در مواجهه با همه چیز و در استفاده از همه امور، راه امانت‌داری را می‌پیماید و چنین حزم و احتیاطی تقوا است (تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

نقش اخلاق اسلامی در سبک زندگی: چه رابطه‌ای میان دو مفهوم اخلاق و سبک زندگی وجود دارد و از سوی دیگر بحث کردن در این زمینه دارای چه اهمیتی است. نشست علمی نقش اخلاق اسلامی در سبک زندگی به همت مجمع عالی حکمت اسلامی در سالن اجتماعات مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد. در این نشست علمی حجج اسلام محمدسعید مهدوی کنی، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و احمدحسین شریفی، عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به بیان نظرات خود پرداختند و حجت الاسلام مهدی فصیحی نیز دبیر علمی این نشست را بر عهده داشت. در آغاز این نشست علمی حجت الاسلام مهدی فصیحی با اشاره به پیشینه بحث گفت: مبحث اخلاق در اسلام دارای سابقه و پیشینه عمیقی است به گونه‌ای که در سوره شمس یازده قسم برای مضمون اخلاق بیان شده است. در چند دهه اخیر در کنار مفهوم اخلاق، مفهومی به عنوان سبک زندگی بیان می‌شود و رهبر معظم انقلاب نیز در بیانیه گام دوم انقلاب از سبک زندگی به عنوان بازوی حل مشکلات اقتصادی یاد می‌کنند زیرا تا زمانی که سبک زندگی تصحیح نشود بعید است معضلات اسلامی نیز تصحیح شود بلکه جامعه مصرف کننده براساس سبک زندگی عمل می‌کند. از سوی دیگر در محافل علمی نگرانی‌های فراوانی در زمینه مفهوم سبک زندگی وجود دارد که شاید دلیل این نگرانی‌ها

برداشت‌های گوناگون از این مفهوم باشد؛ محور بحث ما در این نشست ارتباط دو مفهوم اخلاق و سبک زندگی با یکدیگر است. معنای اخلاق، تفاوت میان اخلاق اسلام و سکولاریزم، چگونگی ایجاد ارتباط میان مفهوم اخلاق و سبک زندگی، ثمرات بحث در زمینه سبک زندگی و اخلاق پرسش‌هایی است که در این نشست علمی به دنبال پاسخ دادن به آن‌ها هستیم. نخستین سؤالی که در این نشست علمی مطرح می‌شود عبارت است از این که چه رابطه‌ای میان دو مفهوم اخلاق و سبک زندگی وجود دارد و از سوی دیگر بحث کردن در این زمینه دارای چه اهمیتی است؟ تفاوت میان مفهوم اخلاق و سبک زندگی: حجت الاسلام مهدوی کنی در پاسخ به اولین سؤال مطرح شده از سوی دبیر علمی گفت: مفهوم اخلاق به تنهایی یک مفهوم مستقل است؛ اما در بسیاری از زمان‌ها، دو مفهوم سبک زندگی و اخلاق در مقام عمل یکی دیده می‌شوند به عنوان مثال در کتاب‌هایی که در سال‌های اخیر تدوین شده‌اند مشاهده می‌شود بخش عمده‌ای از کتب اخلاقی در زمینه بحث سبک زندگی تدوین شده‌اند و محتوای آورده شده با کتاب اخلاقی منطبق است با این تفاوت که در سبک زندگی بیشتر در زمینه اخلاق اجتماعی بحث شده است تا اخلاق فردی. به صورت کلی علما این دو مفهوم را در یک معادله و یک مترادف می‌بینند بنابراین بنده در گفت و گوهای متعدد بیان کرده‌ام که این دو متفاوت هستند و بحث امروز نیز در این زمینه است که چگونه می‌توان دو مفهوم اخلاق و سبک زندگی را به یکدیگر نزدیک کرد؛ البته گرچه این دو مفهوم یکی نیستند اما تباین نیز میان آن‌ها وجود ندارد که نتوان از ارتباط میان آن‌ها صحبت کرد. بنابراین پرسش این است که بیان کنید این دو مفهوم چگونه با یکدیگر وارد می‌شوند یا در چه مواردی تا حد زیادی با یکدیگر انطباق پیدا می‌کنند با تأکیدی که بر تفاوت میان آن‌ها وجود دارد. خلاصه بیان می‌کنم که بحث اخلاق با محوریت ارزش و سبک زندگی با محوریت سلیقه مطرح می‌شود و این

دو، از جهت، عنصر محوری، با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند. اگر بخواهیم فعل اخلاقی را از غیر اخلاقی جدا سازیم گفته می‌شود فعلی که همراه ارزش باشد، اخلاقی خواهد بود که در زمینه مفهوم ارزش نیز بحث‌های فراوانی مطرح شده است که اگر بخواهیم به صورت کلی آن را بیان کنیم می‌توان گفت ارزش، چیزی است که با لحاظ غایت و هدف در عمل همراه شود و فرد برای دستیابی به آن هدف از هر فعلی استفاده کند، آن فعل ارزشمند می‌شود که البته تشکیکی و دارای مراتب است. بنابراین موضوع در اخلاق، رفتن سراغ غایت، در انتخاب یک فعل است که فعل اخلاقی، انتخابی و اختیاری است مانند باقی افعال در حوزه شریعت که اگر بخواهد حاوی ارزش باشد باید انتخابی باشد زیرا اجباری شاید ذمه را بری کند اما ارزشی ندارد.

هویت بخشی؛ کارکرد سبک زندگی: در ادامه توصیفی از سبک زندگی داشته باشیم؛ به صورت خلاصه می‌توان گفت سبک زندگی مجموعه‌ای از افراد دارای نظام است که حول خودش یک سری از ترجیحات را شکل می‌دهد، کنش‌هایی در نظام که ملاک آن‌ها قرار گرفته‌اند. در یک مجموعه، فعلی نسبت به باقی افعال در نزد فاعل برتری دارند و زمانی که یک فرد سبکی را بر می‌گزیند مانند سبک پوشش، علت برگزیدن این پوشش خاص از سوی او، ترجیحی است که به این پوشش می‌دهد و علاقه‌ای است که به این پوشش نسبت به باقی دارد؛ بنابراین احساس می‌کند برای چیزی که در وجود او است پاسخ بهتری می‌دهد و انگیزه‌ای برای برخی اهداف موجود است. مهم‌ترین هدف کارکرد سبک زندگی هویت بخشی است یعنی افراد تلاش می‌کنند تا خود را نسبت به پیرامون متفاوت و قدرت انتخاب خود را نشان دهند که این انتخاب جایگاه آن فرد را در جامعه نشان می‌دهد؛ بنابراین فرد براساس ظهور باوری که دارد دست به انتخاب می‌زند. به عبارت دیگر اگر گفته شود فرد چگونه انتخابش را انجام می‌دهد؟ می‌گوییم براساس ترجیحی که در درون

و تمایلاتی که در وجود او قرار دارد، یعنی سعی می‌کند افعالی را انتخاب کند که ما فی الضمیر را نشان دهد؛ حال چه چیزی این رخ داد را نمایان می‌کند؟ آنچه که اندیشمندان بر آن تأکید می‌کنند سلیقه است که در ادبیات گفته می‌شود، آنچه که از شاکله وجودی انسان منقش می‌شود. به نقطه پیوند میان مفهوم سبک زندگی و اخلاق نیز اشاره کنم؛ از سویی گفته شد در فعل اخلاقی نوعی انتخاب گری وجود دارد از سوی دیگر در بحث سبک زندگی نیز گفته شد ترجیح برای نمایش افعال و اعمال در این که فاعل بتواند ساختار وجودی خود را عرضه کند، است که هر دوی این رفتارها به نوعی بر یک انتخابگری بر مبنای ترجیحات تأکید دارند. این که انسان چه چیزی را مبنای ترجیح قرار دهد به عقاید بر می‌گردد که اگر اخلاق اسلامی باشد و سبک زندگی را در فضای اسلامی قرار دهیم ترجیحی که به انسان دست می‌دهد در فضای جهان بینی اسلامی است؛ آنچه که برای تمایز می‌خواهد نشان دهد و ترجیحی که می‌دهد با آنچه می‌خواهد در زبان دین نشان دهد با یکدیگر منطبق می‌شوند. تأکیدی که در حوزه اخلاق وجود دارد تأکید بر جنبه‌های ارزشی، مبنای ترجیح و بایدهایی که از درون مجموعه جهان بینی فرد بر می‌خیزد، است از سویی سبک زندگی روش‌های عرضه آن را بیشتر نشان می‌دهد. می‌توان گفت سبک زندگی، نوعی بیان حقیقت درونی است؛ تأکید سبک زندگی بیشتر بر عرضه رفتار عینی است که شامل احساسات درونی نیز می‌شود؛ سبک زندگی بر ابعاد عینی تطابق دارد و اخلاق بر حوزه جهت گیری که می‌توان آن‌ها را دو روی یک سکه تلقی کرد که اگر فرصت باشد خواهم گفت آورده چنین پیوندی چیست. حجت الاسلام شریفی در پاسخ به سؤال اول مطرح شده از سوی دبیر علمی گفت: در آغاز به اهمیت بحث اشاره می‌کنم که معتقد هستم مقوله سبک زندگی در حقیقت نرم افزار جامعه سازی است که از رسالت‌های جامعه مسلمین به شمار می‌رود. نرم افزار جامعه سازی و تمدن سازی، سبک زندگی است

بنابراین اگر این نرم افزار، اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های فکر دینی شکل گیرد، می‌توان انتظار داشت جامعه اسلامی و تمدن اسلامی شکل گیرد که اگر آلوده یا التقاطی یا غیردینی باشد انتظار جامعه دینی نا به جا خواهد بود. سبک زندگی در حقیقت میوه درخت باورها و ارزش‌ها است یعنی اگر جامعه امروزی دینی را به یک درخت تعبیر کنیم ریشه درخت جهان بینی، تنه درخت ارزش‌های اسلامی و میوه آن سبک زندگی است که طبیعتاً جامعه براساس میوه زندگی می‌کند. اگر این میوه‌هایی که تحویل جامعه می‌دهیم از درخت ارزش‌ها به دست آمده باشند، ارزش‌ها آثار خود را در جامعه نشان می‌دهند اما اگر نتوانیم چنین کاری انجام دهیم، ممکن است جامعه تا مدتی خود را به درخت ارزش‌ها پیوند زند یا از میوه‌های ارزشی استفاده کند اما در دراز مدت فلسفه هزینه کردن از درخت زیر سؤال می‌رود. سبک زندگی در معرض جنگ نرم چنانچه گفته شد سبک زندگی، هویت زندگی است همچنین معرفی چپستی و ابزاری برای نمایش هویت خودی و تحقق ارزش‌ها و باورها است، در حقیقت سبک زندگی عمومی‌ترین لایه جنگ نرم است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم هفت توصیه بیان می‌کنند که توصیه هفتم سبک زندگی است و می‌گویند سخن در این زمینه زیاد است اما آنچه که مهم است عبارت است از این که غرب سبک زندگی ما را تهدید می‌کند که باید در این زمینه مجاهده کرد؛ این سخن نشان می‌دهد سبک زندگی عمومی‌ترین لایه جنگ نرم است که اگر بخواهم برای جنگ نرم سه لایه معرفی کنیم شامل سیاست‌های کلان خارجی، سیاست‌های کلان داخلی و لایه باورها است. سؤال بحث در زمینه تعریف این دو مفهوم است که حجت الاسلام مهدوی کنی به زیبایی بیان کردند دو نوع نگاه، به دو مفهوم اخلاق و سبک زندگی، وجود دارد که شامل نگاه دانشی و غیردانشی می‌شود. تعریف غیر دانشی اخلاق، تخلق به اخلاقیات و تعریف غیر دانشی سبک زندگی، وضعیت نهادینه شده میان جامعه است؛ در نگاه دانشی به اخلاق

نیز دو رویکرد عمده درجهان اسلام وجود دارد که نخستین تعریف شایع اخلاق در دهه اخیر عبارت از ملکات و صفات نفسانی و بلکه راسخ در نفس است بنابراین اخلاق، دانشی است که موضوع تحلیلی آن بررسی صفات و ملکات درونی است مانند شجاعت، امانت، صداقت و امثال این موارد. نگاهی که اخیراً رواج پیدا کرده و اخلاق پژوهان نیز از این تعریف دفاع می‌کنند، موضوع را اعم از صفات ملکات نفسانی می‌دانند یعنی افعال و کنش‌های اختیاری را جزء موضوع اخلاق به حساب می‌رود بنابراین اخلاق، دانشی است که به تحصیل و بررسی صفات نفسانی و رفتارهای اخلاقی می‌پردازد. اگر نگاه علمی داشته باشیم، دانش اخلاق موجود شش هدف را برای خود تعریف می‌کند که نخستین گام، تعریف است همانند همه دانش‌ها که اگر می‌خواهد در زمینه عدالت بحث کند در آغاز آن را تعریف می‌کند؛ گام دوم توصیف است که وضعیت موجود در زندگی فردی یا رفتار جامعه را تحلیل می‌کند. گام دیگر مقوله تفسیر، معناکاوی رفتارهای اخلاقی و پی بردن به آیات است؛ گام دیگر، تبیین یعنی علت کاوی و کشف چرایی است به عبارت دیگر بررسی می‌کند به چه دلیل یک فرد دروغ می‌گوید یا پرخاشگری می‌کند؛ کار بعدی نیز که انجام می‌دهند ارزش یابی است که یکی از رسالت‌های اخلاق است؛ از گام‌های دیگر که در ذیل تعریف علم اخلاق می‌آید، کنترل و به عبارت دیگر برنامه‌های علاجیه است یعنی راه علاج تهمت یا غیبت را معرفی می‌کند. همچنین اگر بخواهیم نگاه دانشی به سبک زندگی داشته باشیم، دانش سبک زندگی هفت کار را متکفل می‌شود که شش کارش همان‌هایی است که در دانش اخلاق بیان شد اما در سبک زندگی پیش بینی نیز وجود دارد اما دانش اخلاق به آن نمی‌پردازد یعنی وضعیت زندگی یک فرد را پیش بینی می‌کنند. نگاه غیر دانشی به اخلاق نیز وجود دارد که گمان می‌کنم محور بحث امروز از جهت نگاه غیر دانشی به اخلاق یعنی اخلاق به معنای تخلق به اخلاقیات، است و سبک زندگی نیز در

این صورت به معنای سبک زندگی محقق است. تعریفی از سبک زندگی که بنده از آن دفاع می‌کنم شاید با تعریف حجت اسلام مهدوی کنی متفاوت باشد که عبارت است از مجموعه‌ای از رفتارها اعم از درونی و بیرونی همچنین فردی و اجتماعی که سازمان یافته یا نهادینه شده است. ویژگی‌های سبک زندگی: براساس این تعریف سبک زندگی دارای ویژگی‌هایی است؛ نخست این که گستره سبک زندگی شامل همه رفتارهای نهادینه شده است، چه فردی و چه اجتماعی، از آرایش کردن گرفته تا انواع معماری و شهرسازی. ویژگی دیگر این است که سبک زندگی نه کاملاً فردی است که روان‌شناسان از آن تعریف می‌کنند و نه کاملاً اجتماعی چنانچه جامعه‌شناسان می‌گویند ابعاد فردی در آن نقش‌افزینی ندارد، بلکه ابعاد فردی و تأثیرات اقلیمی نیز در آن تأثیر دارد به عنوان مثال افرادی که در اقلیم گرم هستند نمی‌توانند همانند افرادی که در اقلیم سرد هستند، لباس بپوشند یا برعکس. ویژگی دیگر نیز رفتارهایی است که ممکن است بار ارزشی داشته باشند مانند این که اگر در جامعه مسلمین یک بار فردی از کروات استفاده کند می‌توان گفت، سبک زندگی کردن او کروات زدن است یا می‌توان گفت کاری غیر اخلاقی است. سبک زندگی به تدریج حاصل می‌شود بنابراین نهادینه شدن آن زمان بر است؛ سبک زندگی خودجوش است و تحمیلی نیست بنابراین با قوه قهریه نمی‌توان سبک زندگی ایجاد کرد البته منظور این نیست که قوه قهریه نمی‌تواند نقشی داشته باشد.

سبک زندگی نقش‌نمایشی دارد یعنی خودش دارای محتوا نیست اما بیان‌کننده هویت است و دارای لایه‌های اختیاری و هم‌لایه‌های جبری است بنابراین در برخی موارد اسلام به صورت جدی دخالت نمی‌کند، مانند اقلیم که گفته شد شرایط جبری دارد و در شهرهای گرمسیر نمی‌توان پوششی را ایجاد کرد همچنین در شرایط سرد؛ بنابراین جهات اختیاری سبک زندگی کنترل می‌شوند. اگر بخواهیم به صورت خلاصه به بیان تفاوت‌های

سبک زندگی و اخلاق پیردازیم باید گفت براساس تعریفی که گذشتگان از اخلاق دارند هیچ وجه مشترکی میان سبک زندگی و اخلاق وجود ندارد؛ زیرا اگر اخلاق را صفات درونی بدانیم، سبک زندگی مجموعه رفتارها است اما اگر تعریف معاصرین از اخلاق را مد نظر داشته باشیم تفاوتی میان سبک زندگی و اخلاق دیده نمی‌شود.

اخلاق سبک زندگی را محدود نمی‌کند. در ادامه حجت الاسلام فصیحی با اشاره به محور دوم بحث گفت: سبک زندگی و مفهوم اخلاق چگونه با یکدیگر تعامل می‌کنند؟ به عبارت صریح تر کسی که عنوان اخلاق و سبک زندگی را می‌بیند برداشتش این است که اخلاق می‌خواهد تنوع سبک زندگی را از انسان بگیرد و می‌گوید همه باید پوشش خاصی داشته باشند و دارای یک نگاه تحکم آمیز است بنابراین آیا اخلاق آمده است که ترجیحات را دستکاری کند و تنوع عمل ما را بیگرد یا خیر؟ حجت الاسلام مهدوی کنی در پاسخ به سؤال دوم دبیر علمی گفت: پیش از شروع کردن بحث نکته‌ای را بیان می‌کنم زیرا با توجه به این که در زمینه سبک زندگی در گشته فراوان بحث کرده‌ام در این جلسه وارد جزئیات نشدم اما به دلیل این که جناب شریفی به نکته‌ای اشاره‌ای کردند بنده نقد خود را به سخن ایشان بیان می‌کنم که در زمینه تفاوت سبک زندگی با فرهنگ است؛ ایشان بیان کردند که اقتضانات مکانی و زمانی، عناصر اجباری را وارد بحث سبک زندگی می‌کنند. اگر سخن آقای شریفی را بپذیریم در این صورت مرز میان فرهنگ و سبک زندگی برداشته می‌شود؛ فرهنگ مجموعه دستاوردهای بشری یا تلاش برای تغییر در طبیعت و انطباق با طبیعت است به عبارتی گفته می‌شود دستاورد بشری در زیست طبیعت، فرهنگ است که هر نوع دستکاری حتی تغییر در سنگ برای شکار، سنگ از وضعیت طبیعت، به فرهنگ وارد شده است. الزامات زیست در فضایی که انسان قرار دارد، خود را در فضای فرهنگ نشان می‌دهد یعنی هر فردی در هر مکانی که قرار دارد یکی از دلایل پدید آمدن دستاوردها و

تلاش‌ها از سوی او برای انطباق با طبیعت و اقتضائات پیرامونی است اما سبک زندگی حوزه‌ای از فرهنگ است که اتفاقاً همه عناصرش انتخاب و به یک جریان تبدیل می‌شوند. صحیح است که انتخاب‌های ما در زمین سازمان اجتماعی و فضای طبیعی رخ می‌دهد و من نمی‌توانم از چیزی که نیست یک پدیده به وجود آورم یعنی شخص آفریقایی که انواع لباس را درست می‌کند از درختی است که در حوزه آن می‌روید در این صورت حوزه‌ای از سبک زندگی به حساب می‌آید که ناشی از خلاقیت و انتخاب او است. از سوی دیگر در روستایی که فقط از یک لباس استفاده می‌کنند سبک معنا ندارد، اصلاً زمانی سبک زندگی مطرح شده است که تفاوت‌ها ایجاد شده‌اند؛ زمانی که ثروتی جمع می‌شود و می‌توان چند لباس یا لباس‌های متعدد ایجاد کرد بحث سبک مطرح می‌شود و در حوزه‌ای است که فرد انتخاب می‌کند نه این که الزامات ندارد بلکه الزامات دارد اما سبک نیست بلکه الزاماتی است که حاوی محیط یا فرهنگ است (www.rasanews.ir).

بحث و نتیجه گیری

بدین ترتیب، اصولی را که از منابع اسلامی به دست می‌آید، می‌توان در تمامی حرفه‌ها جاری ساخت. پس باید اخلاق اداری و سازمانی جزو برنامه‌های آموزش در سازمان قرار گیرد. بدین ترتیب وظایف مدیران در حوزه تبیین مفاهیم اخلاق اداری - اسلامی سازمان را می‌توان اینگونه برشمرد:

الف) ارزشیابی عملکردهای اخلاقی - اسلامی در کارکنان؛

ب) اخلاقی کردن هدف‌های سازمان بر مبنای عقاید اسلامی؛

ج) اشاعه ارزش‌ها و مسائل اخلاقی - اسلامی در سازمان؛

د) اخلاق‌ورزی در زندگی شخصی کارکنان با تکیه بر میاحث عقیدتی - اسلامی؛

ذ) اهمیت دادن به اخلاق اسلامی در شغل؛

و) برخورد عقلانی و روشمند در مواجهه با مشکلات اخلاقی پیش آمده در سازمان و اقدام برای برطرف کردن آنها؛

ه) عنایت خاص به آموزش اخلاق اسلامی در سازمان؛

ی) تهیه و تدوین منشور اخلاقی - اسلامی مربوط به سازمان با مشارکت همه اعضای

سازمان.

اخلاقی بودن یا نبودن رفتارها و عملکرد می تواند موجب بروز پیامدهای مثبت یا منفی در سطح سازمان گردد. سلامت اداری می تواند به عنوان پیامد مثبت و فساد اداری به عنوان پیامد منفی انگاشته شود. نتایج فساد اداری به طور طبیعی مخالف مصالح و منافع آحاد مردم است. فساد اداری عموماً در اشکال رشوه، خویشاوندگماری، پارتی بازی و تعارض منافع روی می دهد. از طرفی در یکی از تحقیقات خارجی، جلوه های سلامت اداری این چنین برشمرده شده اند: سلامت مالی، سودآوری سازمان، دستیابی به محصولات و بازارهای جدید، مشارکت کارکنان در تصمیم گیری های سازمانی، تقدیر از مشارکت کارکنان در کارها، توسعه کارکنان، یادگیری مستمر، ارتباط موثر با مشتریان سازمان، اهداف روشن، مدیریت عملکرد، و ترفیع کارکنان. همانطور که ملاحظه می شود ارتباط تنگاتنگی میان عوامل اثرگذار بر رفتار و عملکرد اخلاقی و پیامدهای اخلاقی وجود دارد. اصول منشور اخلاقی در اسلام، در همه حرفه ها مشترک است؛ ولی تفاوت حرفه ها در فروع است.

تأکیدی که در حوزه اخلاق وجود دارد تأکید بر جنبه های ارزشی، مبانی ترجیح و بایدهایی که از درون مجموعه جهان بینی فرد بر می خیزد، است از سویی سبک زندگی روش های عرضه آن را بیشتر نشان می دهد. مهم ترین هدف کارکرد سبک زندگی هویت بخشی است یعنی افراد تلاش می کنند تا خود را نسبت به پیرامون متفاوت و قدرت

انتخاب خود را نشان دهند که این انتخاب جایگاه آن فرد را در جامعه نشان می‌دهد؛ بنابراین فرد براساس ظهور باوری که دارد دست به انتخاب می‌زند. اگر بخواهیم به صورت خلاصه به بیان تفاوت‌های سبک زندگی و اخلاق پردازیم باید گفت براساس تعریفی که گذشتگان از اخلاق دارند هیچ وجه مشترکی میان سبک زندگی و اخلاق وجود ندارد؛ زیرا اگر اخلاق را صفات درونی بدانیم، سبک زندگی مجموعه رفتارها است اما اگر تعریف معاصرین از اخلاق را مد نظر داشته باشیم تفاوتی میان سبک زندگی و اخلاق دیده نمی‌شود. اخلاق سبک زندگی را محدود نمی‌کند.

ارتباط پویای اخلاقی و توسعه مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان بوده است. بررسی‌های روانشناسی اجتماعی مذاهب، حاکی از تمایزات رفتاری پیروان مذهبی واحد می‌باشد. یک بررسی از مسلمانان ساکن نواحی شمال آفریقا (مراکش، الجزایر، تونس) نشان می‌دهد که در این منطقه برانگیختگی، افسردگی و عدم تعادل بسیار شدید است، در حالی که مسلمانان نواحی جنوبی آفریقا افرادی مصمم، منصف و متعادلند. تعالیم اخلاقی ضمن آن که سمت حرکت، استراتژی رشد و شدت رشد را تعیین می‌کند، ولی تحولات اقتصادی جامعه اخلاقیات جامعه، را در محل نوین تحت تأثیر قرار می‌دهد.

منابع:

- ابوالحسن فقیهی، بهروز رضائی منش. (۱۳۸۴): اخلاق اداری و مطالعات مدیریت.
- بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، (۱۳۹۸): انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- ذاکری، علی اکبر. (۱۳۸۸): «اخلاق مسئولان»، موسسه چاپ و نشر عروج.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۸): ارباب امانت - اخلاق اداری در نهج البلاغه، انتشارات دریا.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۰): تفسیر المیزان، ج ۲، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- قوچانی، محمود. (۱۳۹۰): فرمان حکومتی پیرامون مدیریت دولتی، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری.
- قره باغیان، مرتضی و اسلامی، مرتضی. (۱۳۷۶): «اخلاق و توسعه»، فصلنامه مطالعات معرفتی دانشگاه آزاد اسلامی، پاییز ۱۳۷۶ شماره ۲.
- معید فر، سعید. (۱۳۸۸): «اخلاق کار و عوامل موثر بر آن در کارکنان ادارات دولتی» فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی ۱۳۸۸
- معید فر، سعید. (۱۳۸۵): بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی موثر بر آن، ناشر: نور علم
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲): فلسفه تاریخ. ج ۱. تهران: انتشارات صدرا.
- www.asemoon.com
- www.rasanews.ir/fa/news/598575.